

فعالیت فرهنگی زنان ایرانی: مطالعه کتاب و نشریه

احمد رجب‌زاده*

چکیده

تاهل و اشتغال موقعیت‌هایی هستند که بر رفتار و روحیات زنان تأثیرات عمیق برجای می‌گذارند و موجب تمایز آنها از سایر گروه‌های زنان می‌شوند. در این زمینه فعالیت فرهنگی از جمله عرصه‌هایی است که از موقعیت‌های زنان تأثیر می‌پذیرد. در این مقاله، براساس داده‌های طرح «فعالیت و مصرف فرهنگی خانواده»^{**}، انجام فعالیت فرهنگی؛ مطالعه کتاب و نشریه بین زنان مجرد و متأهل و زنان متأهل شاغل و خانه‌دار در ایران، با کنترل متغیرهای مهم تحصیلات و طبقه اجتماعی مقایسه شده است. نتایج نشانگر میزان فعالیت فرهنگی کمتر زنان متأهل نسبت به دختران مجرد، و زنان متأهل خانه‌دار نسبت به زنان متأهل شاغل است. همچنین تحصیلات به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر در جهت یکسان‌سازی نسبت فعالیت‌های فرهنگی در میان زنان با موقعیت‌های متفاوت، عمل می‌کند.

واژگان کلیدی

اشتغال، زنان خانه‌دار، فرهنگ، کتاب و نشریه، متأهل، مجرد.

rajabzadeh@saba.tmu.ac.ir

* . دانشیار دانشگاه تربیت معلم.

** . در این مقاله از داده‌های خام این طرح که به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمع‌آوری شده، استفاده شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۱.

تاریخ پذیرش مقاله: ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲.

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، به اقتضای جایگاهی که در ساختار خانواده و جامعه دارند و موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، امکانات و محدودیت‌هایی برای عمل دارند. همچنان که موقعیت زنانه و مردانه برای زنان و مردان امکانات و محدودیت‌های متفاوتی فراهم می‌آورد.

از جمله عواملی که موجب تغییر موقعیت زنان می‌شود، ازدواج و به بیانی تأهل است. چنان‌که از نگاه بعضی فمینیست‌ها، آنچه به عنوان مردسالاری شناخته می‌شود و عامل مهم در محرومیت زنان از بعضی فرصت‌ها است، نتیجه شرایطی است که با تأهل پیش می‌آید، یعنی تشکیل خانواده و موقعیتی که زنان در خانواده می‌یابند (ابوت^۱ و والاس^۲، ۱۳۸۱: ۳۳ و ۲۹۳؛ گرت^۳، ۱۳۸۰: ۷۶-۷۵). همچنین خانه‌داری یا شاغل بودن پیامدهای متفاوتی بر آزادی عمل زنان متأهل دارد.

علاوه بر آزادی عمل، وضع و موقعیت زنان مرتبط با درجاتی از بهره‌مندی یا محرومیت از امکانات و فرصت‌ها است. چنان‌که همین موقعیت‌ها برای آنان روان‌شناسی خاصی را در پی دارد (گرت، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۶).

همه این مؤلفه‌ها به نحوی در تعیین نوع فعالیت‌های آنان اثر می‌گذارد که این تفاوت‌ها در تحقیقاتی از نوع تحقیقات پیمایشی در تفاوت بین گروه‌های گوناگون زنان خود را آشکار می‌سازد.

این نوشته در پی آن است تا براساس داده‌های طرح «فعالیت و مصرف فرهنگی» تفاوت فعالیت فرهنگی را در بین زنان مجرد و متأهل و در گام بعدی بین زنان متأهل خانه‌دار و شاغل نشان دهد. مفروض این است که این تفاوت را باید به موقعیت و وضع زنان، درون ساختار خانواده و جامعه نسبت داد.

-
1. Abbotte
 2. Wallace
 3. Garet

چارچوب نظری

فعالیت فرهنگی فعالیتی است که حول تولید، به‌کارگیری، انتقال، استفاده و مصرف معانی و نمادها و شکل دادن، تغییر و ارتقای حیات روحی و معنوی افراد شکل می‌گیرد.

اگر آن را به نحو سلبی تعریف کنیم، می‌توان به فعالیت غیراقتصادی و سیاسی تعریف کرد. چنان‌که در درک معمول هم چنین تلقی‌ای وجود دارد و به طور ضمنی فعالیت اجتماعی اختیاری را هم شامل می‌شود.

این فعالیت در اشکال ناب و خلاق آن، به آفرینش و خلق آثار فرهنگی منجر می‌شود. کاری که هنرمندان، شعرا، فلاسفه، اندیشمندان و پدیدآورندگان صور مکتوب، صوتی و تصویری و ... انجام می‌دهند. اما در اشکال معمول و مرسوم آن فعالیتی را شامل می‌شود و با استفاده از آن به رشد و شکوفایی وجود خود کمک می‌رساند (رجب‌زاده، ۱۳۷۹: ۳).

آن چه در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد همین بعد از فعالیت فرهنگی است (یعنی بعد مصرفی تا تولیدی و ایجاد آن). در انجام فعالیت فرهنگی از هر نوع آن، عوامل گوناگونی مداخله دارند که بخشی از این عوامل مستقیم و غیرمستقیم از پایگاه فرد تأثیر می‌پذیرد. یکی از عواملی که نقش تعیین‌کننده در انجام آن دارد، زمان فراغت است. افراد و گروه‌هایی که زمان فراغت بیشتری دارند، امکان پرداختن به فعالیت فرهنگی برای آنها بیشتر است. این امر به نوبه خود از تکالیف نقشی و میزان درگیر بودن فرد در وظایف نقش تأثیر می‌پذیرد.

اگر مصادیق فعالیت فرهنگی را مقولاتی چون مطالعه کتاب و نشریه بدانیم، اقدام به آن، علاوه بر داشتن زمان فراغت، مستلزم داشتن تحصیلات می‌باشد. همان‌طور که سود جستن از موسیقی، یا پرداختن به آن مستلزم درجاتی از پرورش حس موسیقایی است. براین اساس می‌توان گفت، تحصیل شرایط ذهنی و روانی استفاده از تولیدات فرهنگی مؤلفه دیگری است که در نوع و میزان فعالیت فرهنگی مؤثر است.

در کنار آن باید به امکانات مادی لازم برای فعالیت فرهنگی اشاره نمود. بخشی از فعالیت‌های فرهنگی مصرفی مستلزم برخورداری از امکانات مادی است. برای نمونه می‌توان به مطالعه روزنامه و کتاب، استفاده از ویدیو و رفتن به سینما یا انجام فعالیت‌های ورزشی مانند اسکی و اسب سواری اشاره نمود که مستلزم برخورداری فرد از امکانات مادی است. تحصیل شرایط استفاده و امکانات مادی، به نوبه خود، اموری‌اند که از موقعیت و پایگاه فرد و خانواده وی تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر این، فعالیت فرهنگی کارکرد هویت‌بخشی گروهی و طبقه‌ای دارد و نمادی است که به واسطه آن فرد تعلق خود را به گروه خاص نشان می‌دهد. به این جهت می‌توان برای انجام آن درجه‌ای از اجبار اجتماعی مربوط به قشر و طبقه را ملحوظ کرد (برای نمونه نگاه کنید به: فریت^۱، ۱۹۹۶؛ سیسجورد^۲، ۱۹۹۳؛ پاپ^۳، ۱۹۹۴). همچنین نوع فعالیت فرهنگی با ذائقه و سلیقه پیوند دارد که این امر نیز به نوبه خود از موقعیت اجتماعی افراد تأثیر می‌پذیرد. تا جایی که از روان‌شناسی خاص گروه‌ها و اقشار اجتماعی صحبت می‌شود (کاج^۴، ۱۹۹۶). بنابراین می‌توان گفت، پایگاه به صور گوناگون بر دو نوع فعالیت و مصرف فرد تأثیر می‌گذارد و نسبت به آن نقش تعیین‌کننده دارد.

چارچوب تحلیلی

زنان در یک نگاه کلی، بر مبنای تأهل طبقه‌بندی و حتی قشربندی می‌شوند. دختران و زنان (به معنای همسران، ازدواج کرده‌ها) با ازدواج از هم متمایز می‌شوند. زنان در ساخت خانواده به عنوان دختر و همسر، وظایف و حقوق متفاوت و به

-
1. Frith
 2. Sisjord
 3. Pope
 4. Koch

اقتضای آن دارای امکانات متفاوتی در بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات هستند. در جامعه ما معمولاً زنان متأهل وظیفه سنگین انجام فعالیت‌های درون خانه و تربیت فرزند و کمک به معاش خانواده را بر عهده دارند. درحالی که دختران از انجام چنین وظایفی معاف‌اند یا کمتر درگیر چنین فعالیت‌هایی هستند. به اقتضای همین شرایط، زمان فراغت دختران بیش از زنان و در نتیجه امکان فعالیت و مصرف فرهنگی آنها بیش از زنان است.

بین زنان متأهل نیز، موقعیت خانه‌داری و شاغل بودن وجوهی تفاوت‌گذار است. به اقتضای امکاناتی که برای زنان شاغل وجود دارد و به اقتضای تغییری که در محدوده تکالیف نقشی آنها پدید می‌آید، انتظار می‌رود که زنان خانه‌دار به لحاظ فعالیت فرهنگی در مرتبه‌ای پایین‌تر از زنان متأهل شاغل قرار داشته باشند.

تفاوت بین دختران و زنان متأهل و زنان متأهل خانه‌دار و شاغل فرضیه‌های اصلی مورد بررسی‌اند. اما از آن جا که فعالیت فرهنگی از متغیرهای دیگری چون پرورش فرهنگی، امکانات، دسترسی به امکانات، ذائقه و روان‌شناسی خاص تأثیر می‌پذیرد، برای بررسی تأثیر موقعیت‌های مورد اشاره، لازم است که این متغیرها به نحوی کنترل شوند تا سهم موقعیت‌های مذکور (تأهل و خانه‌داری) مشخص شود.

از جمله شاخص‌هایی که به نحوی با متغیرهای تعیین‌کننده پیوند دارد و قابل بررسی تجربی است، تحصیلات است. تحصیلات متغیری است که اگرچه اشاره به یک موقعیت ساختاری ندارد، اما از مؤلفه‌هایی است که نقش تعیین‌کننده و مداخله‌گر در موقعیت‌های زنان دارد. تحصیلات به تبع امکاناتی که برای اشتغال فراهم می‌آورد، شرایط زنان را حتی در موقعیت خانه‌داری تغییر می‌دهد. علاوه بر این، به خاطر آثار روانی‌ای که برای فرد به ارمغان می‌آورد، به اقتضای تفسیرپذیری نقش‌ها، این امکان را برای زنان پدید می‌آورد که در تعبیر وظایف نقش خود، آن را به نفع موقعیت خویش تفسیر کنند. به همین جهت متغیری است که نسبت به متغیر موقعیت خانه‌داری و تأهل، مداخله‌گر و تعیین‌کننده است. همچنین، تحصیلات به طور مستقیم با پرورش فرهنگی و تغییر ذائقه ربط دارد. به همین جهت انتظار می‌رود

که با افزایش تحصیلات، نسبت فعالیت فرهنگی زنان افزایش یابد. با این حال، در صورتی که در گروه‌های تحصیلی گوناگون، فعالیت فرهنگی زنان متأهل کمتر از دختران (زنان مجرد) باشد، می‌توان آن را به موقعیت آنان نسبت داد. همچنین انتظار می‌رود که بین زنان خانه‌دار و شاغل متأهل در گروه‌های تحصیلی گوناگون تفاوت وجود داشته باشد.

متغیر دیگری که در بررسی فعالیت فرهنگی زنان باید لحاظ نمود، طبقه و قشر است. زنان، علی‌رغم داشتن موقعیت‌های مشابه، به تناسب این که در کدام قشر و طبقه قرار دارند، دارای امکانات متفاوتی برای فعالیت فرهنگی‌اند. همچنین روحیه و روان‌شناسی طبقاتی و قشری نیز می‌تواند بر نوع فعالیت آنها تأثیر بگذارد. به اقتضای نوع طبقه می‌توان انتظار داشت که فعالیت فرهنگی زنان در اقشار بالاتر جامعه بیشتر و متنوع‌تر باشد. با این حال، در همه این موقعیت‌ها، انتظار می‌رود که متغیر تأهل عامل تفاوت‌گذار باشد. به این معنی که درون طبقه‌ای واحد، زنان متأهل (خانه‌دار)، فعالیت کمتری از سایر زنان داشته باشند.

روش پژوهش

داده‌هایی که برای آزمون این فرضیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، داده‌های طرح پیمایشی «فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی» است. این طرح در سال ۱۳۷۸ در ۲۸ شهر مرکز استان با جمعیتی در حدود ۲۰ میلیون با نمونه‌ای به حجم ۱۴۰۰۰ خانواده* اجرا شده است که از افراد بالای پنج سال خانواده در خصوص فعالیت فرهنگی آنها پرسش شده است. افراد نمونه ۶۵۴۴۰ نفر است. از این تعداد ۲۴۰۱۷ نفر را زنانی تشکیل می‌دهند که سنی بیش از ۱۴ سال دارند که فعالیت فرهنگی آنها

* در این پژوهش خانوارهایی که صورت خانواده نداشته‌اند (مانند افراد همسفره، خوابگاه‌های دانشجویی و سربازخانه‌ها) از نمونه کنار گذاشته شده‌اند.

در این نوشته مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب ۱۵ سالگی به عنوان مقطع سنی برای آن است که زنان معمولاً از این سن ازدواج می‌کنند.

در این پژوهش در خصوص فعالیت از مواردی چون: مطالعه کتاب، مطالعه نشریه، تماشای ویدیو، رفتن به سینما، گوش دادن به رادیو، استفاده از انواع نوارهای صوتی، تماشای تلویزیون، انواع فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی، ورزش و بازی پرسش شده است که در این نوشته فقط به دو مورد مطالعه کتاب و نشریه، آن هم نفس مطالعه، می‌پردازیم.

در کنار آن، ویژگی‌های فردی افراد از جمله تحصیلات، نوع فعالیت و وضع تأهل پرسش شده است که امکان مقایسه را براساس این مؤلفه‌ها فراهم می‌سازد.

در تحلیل، با توجه به این که کتاب‌خوانی و مطالعه روزنامه مستلزم داشتن سواد بوده است، مقایسه بین سه گروه دارای تحصیلات ابتدایی (شامل تحصیلات ابتدایی، کلاس‌های سوادآموزی، سواد خواندن و نوشتن و سواد قرآنی)، متوسطه (شامل تحصیلات دوره راهنمایی، دبیرستان و دیپلم) و عالی (بیش از دیپلم) انجام شده است.

نوع فعالیت در مقولات گوناگونی پرسش شده است که در این نوشته، فقط دو مقوله شاغل و خانه‌دار با هم مقایسه می‌شوند.

وضع تأهل از سه گروه پرسش شده است: دارای همسر، بدون همسر بر اثر فوت و یا طلاق و هرگز ازدواج نکرده که در این نوشته، عمدتاً دو گروه دارای همسر (متأهل) و هرگز ازدواج نکرده (مجرد) با هم مقایسه می‌شوند.

در سطح خانواده نیز از اقلامی چون ارزش منطقه سکونت در عرف (که از طریق افراد آشنا در محل پرسش شده است)، متراژ زمین و بنا، قدمت خانه، قیمت زمین و بنا (که از طریق بنگاه‌ها پرسش شده است)، نوع محل سکونت به لحاظ شخصی، استیجاری و رهنی بودن و همچنین ویلایی یا آپارتمانی بودن و شغل سرپرست خانواده پرسش شده است که بر مبنای آن پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد

در قالب سه شاخص سنجش شده است: ۱. ارزش محل سکونت، ۲. وضع اقتصادی و ۳. منزلت شغلی سرپرست خانواده (رتبه اجتماعی). شاخص اقتصادی براساس فرمول صفحه بعد محاسبه شده است و با استفاده از رویه خوشه‌بندی، خانواده‌ها را براساس این شاخص به سه طبقه تقسیم کردیم: وضع اقتصادی بالا، متوسط و پایین*.

(مترائ زمین × قیمت منطقه‌ای زمین + مترائ بنا × قیمت منطقه‌ای بنا)

×

(ضریب مدت ساخت × ضریب مالکیت)

شاخص بعدی که به عنوان شاخص منزلت اجتماعی خانواده از آن یاد می‌شود، نمره‌ای است که به عنوان منزلت شغلی به شغل منزلت اجتماعی خانواده اختصاص می‌یابد. منزلت شغلی اشاره دارد به میزان اهمیت و احترامی که شاغل در جامعه دارد. منزلت شغلی به عنوان امری ذهنی از طریق ارزیابی مشاغل از سوی نمونه‌ای از افراد در جامعه انجام می‌شود.

در ایران نزدیک به زمان حاضر دو پژوهش انجام شده که در آن مجموعه‌ای از مشاغل (۸۶ و ۸۷ شغل) به نمونه‌ای از افراد عرضه شده و از آنها خواسته شده تا نظر خود را درخصوص آن با پنج گزینه: منزلت عالی تا خیلی ضعیف مشخص نمایند. سپس میانگین عددی آنها محاسبه و به عنوان نمره منزلت مشخص شده است.

یکی از تحقیقات «تحرك اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران» (کاظمی‌پور، ۱۳۷۰) و دیگری پژوهش «نظرسنجی از مردم تهران درباره منزلت مشاغل» (مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران،

* با توجه به تفاوت قیمت زمین و بنا در شهرهای مختلف کشور، این شاخص تفاوت اقتصادی شهرها را هم به صورت ضمنی اندازه‌گیری می‌کند. زیرا خانواده‌ای که در شهر زاهدان دارای وضع اقتصادی متوسط به حساب می‌آید، ممکن است در مقایسه با قیمت خانه‌ها در شهر تهران، جزو گروه اقتصادی متوسط به حساب آید. برای توضیح کامل‌تر درباره شاخص‌سازی، به سلسله گزارش‌های موضوعی «فعالیت و مصرف فرهنگی»، با عنوان کتابخوانی، روزنامه خوانی و نظیر آن، از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه شود.

۱۳۷۵) است. با توجه به نوع مشاغل مورد پرسش و فهرست مشاغل که در پژوهش حاضر به دست آمده نمرات پژوهش اول مبنای نمره‌دهی به مشاغل گوناگون قرار گرفته است. بدین ترتیب ابتدا در هفت گروه شغلی و نهایتاً به سه طبقه منزلت شغلی (بیش از ۸۰، ۶۰-۸۰ و پایین‌تر از ۸۰) طبقه‌بندی شد.*

یافته‌های پژوهش

• ویژگی‌های جمعیت نمونه

جمعیت نمونه در این پژوهش، ۲۴۰۱۷ نفر از زنان کشور است که دارای سن بالای ۱۴ سال هستند. میانگین سن آنها ۳۲/۳ سال، حداقل آن ۱۵ و حداکثر آن ۱۱۰ سال است.

۵۸/۱ درصد این دارای همسر، ۶/۵ درصد بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق و ۳۵/۴ درصد مجرد (هرگز ازدواج نکرده) هستند.

۵۹ درصد خانه‌دار، ۲۳/۸ درصد محصل یا دانشجوی، ۸/۴ درصد شاغل، ۳/۹ درصد بیکار جویای کار، ۳/۱ درصد دارای درآمد بدون کار هستند. ۱/۹ درصد هم‌موردی دیگر را ذکر کرده‌اند.

تقاطع وضع تأهل و نوع فعالیت نشان می‌دهد، از تعداد زنان دارای همسر، ۸۷/۲ درصد خانه‌دار و ۸/۹ درصد شاغلند. ۱/۵ درصد در گروه دانشجوی و محصل و

... گروه یکم (>۹۰): پزشک، استاد دانشگاه، دندانپزشک و ...

گروه دوم (۸۰-۹۰): مدیر کل، کارخانه‌دار بزرگ، نماینده مجلس، فرماندار، شهردار، وکیل، افسر و ...

گروه سوم (۷۰-۸۰): مهندس، روزنامه‌نگار، هنرمند، دبیر و هتلدار.

گروه چهارم (۶۰-۷۰): تکنسین، معلم دبستان، کتابفروش و مقاطعه‌کار.

گروه پنجم (۵۰-۶۰): مکانیک، درجه‌دار، تراشکار، کارمند دارای تحصیلات کارشناسی و خواروبارفروش.

گروه ششم (۴۰-۵۰): راننده، ماشین‌نویس و کارگر کارخانه.

گروه هفتم (<۴۰): عمله و پیشخدمت اداره و ...

۲/۳ درصد در گروه‌های دیگر قرار می‌گیرند. با کنار گذاشتن سایر گروه‌ها، تعداد زنان متأهلی که دارای فعالیت خانه‌داری‌اند ۱۲۱۴۶ نفر و زنان متأهل شاغل ۱۲۴۳ نفر است.

در مقابل ۶۴/۵ درصد زنان مجرد (هرگز ازدواج نکرده) محصل و دانشجو، ۱۱/۶ درصد خانه‌دار، ۷/۴ درصد شاغل‌اند. ۱۶/۵ درصد زنان مجرد در سایر مقولات فعالیت قرار می‌گیرند.

در جمعیت آماری ۱۸/۲ درصد بی‌سواد، ۲۳/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۸/۸ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۹/۶ درصد دارای تحصیلات عالی و ۰/۱ درصد دارای تحصیلات حوزوی‌اند.

بین زنان متأهل (دارای همسر)، ۲۳/۷ درصد بی‌سواد، ۳۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۶/۹ درصد دارای تحصیلات متوسطه و ۶/۳ درصد دارای تحصیلات عالی (بیش‌از دیپلم) هستند.

در مقابل، بین زنان مجرد، سهم بی‌سوادها ۱/۸ درصد، دارای تحصیلات ابتدایی ۷/۳ درصد، دارای تحصیلات متوسطه ۷۴/۶ درصد و زنان دارای تحصیلات عالی ۱۶/۲ درصد هستند.

منطقه زندگی ۹/۴ درصد افراد بالای شهر، ۲۱ درصد متوسط رو به بالا، ۳۱/۲ درصد متوسط، ۲۱/۲ درصد متوسط رو به پایین و ۱۷/۱ درصد پایین شناخته شده است. وضع اقتصادی ۷/۲ درصد بالا، ۲۳/۷ درصد متوسط و ۶۹/۲ درصد پایین شناخته شده است.

۲/۷ درصد زنان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که منزلت شغلی سرپرست آنها بیش‌از ۸۰ است. ۱۲/۸ درصد در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که منزلت شغلی سرپرست آنها بین ۸۰-۶۰ است و ۸۴/۴ درصد در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که منزلت شغلی سرپرست آنها پایین‌تر از ۶۰ است.

• فعالیت‌های فرهنگی

۱. مطالعه کتاب

۴۰ درصد زنان بالای ۱۴ سال اهل مطالعه کتاب هستند. ۲۸/۸ درصد ازدواج کرده، ۱۳/۹ درصد بدون همسر و ۶۳/۴ درصد مجرد (هرگز ازدواج نکرده) اهل مطالعه کتاب‌اند. براین اساس می‌توان گفت، زنان مجرد بیش از متأهل و زنان متأهل بیش از بدون همسران مطالعه می‌کنند.

باتوجه به این که مطالعه کتاب، وابسته به تحصیلات است، و باتوجه به نسبت بالاتر باسواد و دارای تحصیلات عالی (بیش‌ازدیپلم) بین زنان مجرد، می‌توان این تفاوت را به نسبت بالاتر سواد بین زنان مجرد نسبت داد. برای بررسی تأثیر این امر، از جدول تقاطعی مطالعه کتاب، وضع تأهل و سطح تحصیلات استفاده شد. به این معنی که مطالعه کتاب را بین زنان متأهل و مجرد در هرگروه تحصیلی مقایسه می‌کنیم (جدول شماره ۱).

بین گروه‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه نسبت مطالعه برای زنان مجرد بیش از متأهلین است. در حالی که در گروه تحصیلی عالی نسبت‌ها یکسان است و زنان بدون همسر بیش از دو گروه دیگر اهل مطالعه کتاب‌اند. بنابراین می‌توان تحصیلات عالی را عاملی تعادل بخش در این زمینه به حساب آورد.

جدول شماره ۱. مقایسه نسبت مطالعه کتاب، به تفکیک وضع تأهل زنان، در گروه‌های

تحصیلی گوناگون

وضع تأهل	سطح تحصیلات		
	متوسطه	ابتدایی	عالی
متأهل	۵۱/۲	۱۶/۸	۷۲/۱
بدون همسر	۴۹/۱	۱۷/۶	۸۰
مجرد	۶۱/۶	۲۸/۵	۷۱/۴

با توجه به این که تحصیلات (به ویژه تحصیلات عالی)، امکان اشتغال را برای زنان فراهم می‌کند، ممکن است این تفاوت را به حساب رواج نوع فعالیت غیرخانه‌داری در بین افراد متأهل دارای تحصیلات عالی گذاشت. در جهت ارزیابی این فرض، مطالعه کتاب زنان خانه‌دار و شاغل را در بین افراد متأهل دارای تحصیلات عالی مقایسه کرده‌ایم.

در جمعیت زنان متأهل دارای تحصیلات عالی که تعداد آنها ۸۷۵ نفر است، نسبت مطالعه برای افراد خانه‌دار ۷۲/۴ درصد و برای افراد شاغل ۷۲/۳ درصد می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت، با وجود تحصیلات عالی، نوع فعالیت خانه‌داری و شاغل بودن در مطالعه کتاب افراد متأهل به صورت مطلق اثری ندارد. به عبارت دیگر، تحصیلات عالی عاملی است که محرومیت‌های ناشی از فعالیت خانه‌داری را کاهش می‌دهد یا از بین می‌برد. درحالی که سطوح پایین‌تر تحصیلی فاقد چنین اثری است.

همان‌طور که اشاره شد، عامل دیگری که معمولاً بر فعالیت فرهنگی تأثیر می‌گذارد، طبقه اجتماعی است. طبقه اجتماعی به وسیله مؤلفه منزلت شغلی سرپرست خانواده، وضعیت اقتصادی و ارزش محل سکونت خانواده سنجش شده است.

جدول شماره ۲ نسبت مطالعه کتاب برای زنان را در گروه‌های گوناگون خانواده‌ها و در بین زنان متأهل و مجرد نشان می‌دهد. با بهبود وضع اقتصادی، بالارفتن منزلت شغلی و ارزش بالاتر منطقه سکونت، نسبت مطالعه کتاب از سوی زنان افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، موقعیت طبقاتی خانواده بر فعالیت فرهنگی کتابخوانی زنان تأثیر می‌گذارد.

همچنین اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد، بین زنان متأهل و مجرد در خانواده‌ها یا منزلت شغلی، وضع اقتصادی و منطقه سکونت یکسان، تفاوت وجود دارد. این تفاوت در گروه‌های منزلتی و اقتصادی پایین، بیش از گروه‌های دارای منزلت و وضع اقتصادی بالا است. این به معنای آن است که پایگاه خانواده، اگرچه در جهت بهبود وضع زنان متأهل عمل می‌کند، اما تفاوت بین آنان و زنان مجرد را از بین نمی‌برد.

نکته دیگری که از این اطلاعات استنباط می‌شود، تفاوت کمتر در نسبت مطالعه زنان مجرد و تفاوت بیشتر در نسبت مطالعه زنان متأهل بین طبقات گوناگون جامعه است که نشان می‌دهد عمده تفاوت فعالیت فرهنگی بین زنان متعلق به طبقات گوناگون به فعالیت فرهنگی زنان متأهل مربوط می‌شود تا زنان مجرد.

جدول شماره ۲. مقایسه نسبت مطالعه کتاب، به تفکیک وضع تأهل زنان، در طبقات اجتماعی گوناگون

منزلت شغلی			وضع اقتصادی			ارزش منطقه سکونت				طبقه اجتماعی وضع تأهل	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط +	متوسط -	پایین		
۶۱/۷	۴۷	۲۷/۶	۳۸	۳۳/۵	۲۶	۴۱/۱	۳۶/۳	۲۸/۶	۲۴/۳	۱۹/۷	متأهل
۱۹	۳۲	۱۰/۵	۱۶	۲۰/۲	۱۲/۳	۱۹/۷	۱۹	۱۵/۵	۱۰/۶	۷/۱	بدون همسر
۷۶/۹	۶۹/۵	۶۳/۲	۶۹/۲	۶۷/۵	۶۱/۳	۶۷/۵	۶۸/۴	۶۴	۶۰/۴	۵۷/۲	مجرد
۶۴/۱	۵۳/۵	۳۹/۱	۴۹/۳	۴۵/۷	۳۶/۹	۴۸/۸	۴۶/۷	۴۰/۵	۳۵/۲	۳۱/۹	کل

در مقایسه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل نیز همین تفاوت در بین خانواده‌های گوناگون که دارای منزلت، وضع اقتصادی و سکونت در مناطق یکسان هستند، دیده می‌شود (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. مقایسه نسبت مطالعه کتاب بین زنان متأهل، به تفکیک وضع فعالیت، در طبقات اجتماعی گوناگون

منزلت شغلی			وضع اقتصادی			ارزش منطقه سکونت				طبقه اجتماعی وضع تأهل	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط +	متوسط -	پایین		
۷۳/۳	۶۸/۳	۴۶/۴	۶۷/۲	۵۸/۹	۴۵/۹	۶۲/۹	۵۹/۹	۴۷/۹	۴۷/۷	۳۶/۴	شاغل
۵۴/۶	۴۱/۱	۲۵/۳	۳۲/۵	۲۹/۱	۲۳/۶	۳۶/۵	۳۱/۷	۲۵/۷	۲۲/۴	۱۸/۱	خانه‌دار

با توجه به این نکات می‌توان نتیجه گرفت، علی‌رغم تأثیر پایگاه اجتماعی و تحصیلات بر مطالعه کتاب در بین زنان، وضعیت تأهل و در گام بعد، خانه‌دار بودن با مطالعه کمتر همراه است که این نشان از فعالیت فرهنگی کمتر زنان متأهل و خانه‌دار دارد.

۲. مطالعه نشریات

در جمعیت زنان بالای ۱۴ سال، ۴۱ درصد افراد، اهل مطالعه روزنامه و مجله هستند. این نسبت برای زنان متأهل ۳۳/۷ درصد، برای زنان بدون همسر ۱۵/۹ درصد و برای مجردها ۵۷/۶ درصد است که حاکی از نسبت بالاتر مطالعه زنان مجرد است. مطالعه گروه‌های سه‌گانه با کنترل تحصیلات در جدول شماره ۴ آمده است. بین زنان دارای تحصیلات ابتدایی، نسبت مطالعه برای زنان مجرد بیش از متأهل‌ها است. برای زنان دارای تحصیلات متوسطه و عالی، نسبت‌ها تقریباً یکسان است. این امر حاکی از آن است که تحصیلات فعالیت زنان متأهل را بهبود می‌بخشد و حتی از نسبت زنان مجرد نیز بالاتر می‌برد. دلیل این امر وجود تعداد قابل توجهی نشریات ویژه زنان است که معمولاً، زنان متأهل بیش از مجردین به مطالعه آن علاقه دارند.

جدول شماره ۴. مقایسه نسبت مطالعه نشریه، به تفکیک وضع تأهل زنان، در گروه‌های

تحصیلی گوناگون

وضع تأهل	سطح تحصیلات		
	ابتدایی	متوسطه	عالی
متأهل	۲۲/۵	۵۸/۲	۷۳/۴
بدون همسر	۲۱/۸	۵۵/۱	۸۰
مجرد	۳۰/۲	۵۹/۶	۶۷/۳

مقایسه نسبت مطالعه در بین زنان متأهل شاغل و خانه‌دار، با کنترل تحصیلات نیز نشان می‌دهد، در گروه‌های تحصیلی متوسطه و عالی، نسبت مطالعه تقریباً یکسان است. به عبارت دیگر با حضور متغیر تحصیلات، موقعیت‌های گوناگون زنان، در فعالیت روزنامه‌خوانی آنها تأثیری ندارد (جدول شماره ۵) و زنان در موقعیت‌های گوناگون تأهل و مجرد و خانه‌داری و اشتغال به نسبت‌های تقریباً یکسانی به مطالعه نشریات می‌پردازند.

جدول شماره ۵. مقایسه نسبت مطالعه نشریه بین زنان متأهل، به تفکیک وضع فعالیت در گروه‌های تحصیلی گوناگون

وضع فعالیت	سطح تحصیلات		
	ابتدایی	متوسطه	عالی
شاغل	۱۹	۶۶/۱	۷۵/۴
خانه‌دار	۲۲/۶	۵۷/۳	۷۴

بررسی رابطه شاخص‌های مربوط به پایگاه اجتماعی افراد با مطالعه روزنامه و مجله (جدول شماره ۶) نشان می‌دهد، با بهبود وضع اقتصادی، بالا رفتن منزلت شغلی و ارزش بالاتر منطقه سکونت، نسبت مطالعه روزنامه و مجله از سوی زنان افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت، موقعیت طبقاتی خانواده بر فعالیت فرهنگی مطالعه نشریات هم، مانند مطالعه کتاب، تأثیر می‌گذارد. همچنین اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد، بین زنان متأهل و مجرد در خانواده‌های دارای منزلت شغلی، وضع اقتصادی و منطقه سکونت یکسان، تفاوت وجود دارد.

جدول ۶. مقایسه نسبت مطالعه نشریه، به تفکیک وضع تاهل زنان، در طبقات اجتماعی گوناگون

منزلت شغلی			وضع اقتصادی			ارزش منطقه سکونت					طبقه اجتماعی وضع تاهل
						پایین	متوسط	بالا	متوسط -	متوسط +	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط +	متوسط	متوسط -	پایین	متاهل
۶۵/۸	۴۹/۲	۳۳/۱	۴۳	۳۸/۸	۳۰/۵	۴۸/۸	۴۰/۸	۳۴/۶	۲۷/۴	۲۲	متاهل
۳۸/۱	۳۱/۷	۱۲/۶	۱۸/۴	۲۳/۲	۱۴/۱	۲۸	۱۹/۶	۱۶/۳	۱۳	۹/۵	بدون همسر
۶۹/۹	۶۲/۱	۵۶/۹	۶۶/۷	۶۱/۵	۵۴/۸	۶۵/۲	۶۲	۵۸	۵۴/۹	۵۱/۱	مجرد
۶۵/۸	۵۲/۷	۴۰/۶	۵۱/۴	۴۶/۸	۳۷/۷	۵۳/۳	۴۷/۱	۴۲	۳۵/۶	۳۱/۵	کل

درمقایسه زنان متاهل خانه‌دار و شاغل (جدول شماره ۷) نیز همین تفاوت بین خانواده‌های دارای منزلت، وضع اقتصادی و ساکن در مناطق یکسان دیده می‌شود.

جدول شماره ۷. مقایسه نسبت مطالعه نشریه بین زنان متاهل شاغل و خانه‌دار در طبقات

اجتماعی گوناگون

منزلت شغلی			وضع اقتصادی			ارزش منطقه سکونت					طبقه اجتماعی وضع تاهل
						پایین	متوسط	بالا	متوسط -	متوسط +	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط +	متوسط	متوسط -	پایین	شاغل
۷۷/۳	۷۰/۲	۵۹/۲	۶۶/۱	۶۶/۱	۵۶/۲	۷۰/۹	۶۴/۸	۶۱	۵۹/۴	۴۳/۲	شاغل
۶۰/۲	۴۳/۵	۳۰/۵	۳۸/۷	۳۴	۲۷/۸	۴۳/۸	۳۶/۵	۳۱/۲	۲۵/۱	۲۰/۴	خانه‌دار

در مقایسه نسبت مطالعه کتاب و نشریه میان زنان، نسبت‌های نزدیک‌تر مطالعه زنان متاهل و مجرد در مطالعه نشریه دیده می‌شود. این امر را می‌توان به وجود مجلات و نشریات ویژه‌ای نسبت داد که سهم زیادی در جذب زنان به مطالعه دارد. در حالی که در زمینه کتاب، چنین زمینه‌هایی کمتر وجود دارد. انتظار می‌رود با افزایش نسبت تولید کتاب‌های ویژه زنان، در این عرصه نیز شاهد افزایش مطالعه باشیم.

نتیجه گیری

فعالیت فرهنگی با سازوکارهای گوناگون از موقعیت‌های گوناگونی که زنان در جامعه دارند، تأثیر می‌پذیرد. نتایج حاصل از مقایسه فعالیت‌های کتاب‌خوانی و مطالعه نشریات (آن هم نفس مطالعه و نه نوع و شدت آن)، نشانگر این است که زنان خانه‌دار از زنان شاغل و زنان متأهل از دختران مجرد فعالیت فرهنگی کمتری دارند. این در حالی است که نسبت فعالیت به اقتضای طبقه اجتماعی افراد تغییر می‌کند. هرچند که در این تغییر، فاصله بین افراد مجرد و متأهل و خانه‌دار و شاغل باقی می‌ماند و فقط از شدت آن کاسته می‌شود. اما درخصوص تحصیلات، تاحدی متفاوت است. زیرا تحصیلات به عنوان متغیری مداخله‌گر، در جهت کاهش تفاوت‌ها به‌شمار می‌آید و در جهت یکسان‌سازی نسبت فعالیت عمل می‌کند. از این رو می‌توان به تحصیلات، آن هم در سطح عالی، به عنوان یک متغیر مهم در تحول وضعیت زنان در زمینه فعالیت فرهنگی نگریست. همچنین با افزایش نسبت تحصیل‌کردگان زن در سطوح عالی، تفاوت‌های ناشی از موقعیت‌های متفاوت زنان، حداقل در زمینه فعالیت فرهنگی، کاهش قابل‌ملاحظه‌ای یافته چنان‌که تقاضا برای این نوع فعالیت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی زنان*، منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، *مصرف کالاهای فرهنگی خانوار در شهر اهواز* (۱۳۷۷).
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۰)، *کتاب‌خوانی*، مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۰)، «تحرک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، کتابون بقایی، نشردیگر، تهران.
- مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، *نظرسنجی از مردم تهران درباره منزلت مشاغل*، شماره مسلسل ۲۴۰، دوره ۳، شماره ۶۲.
- Frith, S. (1996), "Music and Identity", in : *Questions of Cultural Identity*, edited by S. Hall and P. du Gay, London : Sage Publications, Ltd, pp. 108-127.
- Koch, M. (1996), "Class and Taste : Bourdieu's Contribution to the Analysis of Social Structure and Social Space", *International Journal of Contemporary Sociology*, Vol. 33, No. 2, pp. 187-202.
- Pope, Steven W. (1993), " Negotiating the "Folk Highway" of the Nation : Sport, Public Culture and American Identity, 1870-1940", *Journal of Social History*, Vol. 27, No. 2, pp. 327-340.
- Sisjord, Mari-Kristin (1994), *Youth Sport and Social Stratification*, International Sociological Association (ISA).